

# پست مشروف نرویناک

خاطرات بامزه  
از متصدیان  
صندوق های  
رای

من سال ۱۴۰۰ نماینده یکی از کاندیدها بودم پای صندوق سیاری که متعلق به دو روستا بود. این روستاها از توابع شهرستان مرودشت استان فارس بودند و کیلومترها از شهر دور بودند و بسیار کم برخوردار. آن زمان رسانه های بیگانه خیلی تبلیغ می کردند که مردم دیگر پای صندوق های رای حاضر نمی شوند و برای خود من هم همین شبهه به وجود آمده بود و تصور می کردم حضور مردم کم رنگ خواهد بود.

اما در این دو روستای محروم مردم بسیار پرشور و باغیرت پای صندوق ها حاضر شدند.

یک تیم عکاسی هم آمده بودند و از مردم عکس می گرفتند و آن ها هم ذوق نشان می دادند که در عکس ها باشند.

یک خانم نسبتاً مسن هم با قاب عکس شهید سلیمانی آمده بود و رأیش را داد ولی عکسی از او گرفته نشد. او خیلی اصرار داشت که باید از من در حال رأی دادن عکس بگیرید و هرچه ما می گفتیم شما رأیت را داده ای به هیچ وجه حاضر نمی شد برگردد. بالاخره ما ناچار با هماهنگی ناظر صندوق دوباره ایشان را وارد محل رأی گیری کردیم تا بصورت نمادین رأی بیندازد و عکس او گرفته شود. جالب تر این که با اصرار فراوان به عکاس می گفت این عکس را باید به خودم بدهید، می خواهم به همه کسانی که می گویند مردم دیگر این نظام را قبول ندارند و پای صندوق نمی آیند نشان دهم که بدانند ما تا پای جان با این نظام هستیم. برایم این حجم دلسوزی و احساس وظیفه خیلی عجیب و در عین حال تحسین برانگیز بود و همین حرکت همه تبلیغات رسانه های دشمن را در نظرم بی معنی کرد. چون فهمیدم مردم علیرغم سختی ها و مشکلات و گلایه ها چقدر این نظام را از خود می دانند و روی آن غیرت دارند. شنیدم که آن خانم دو سال پیش فوت کرده، یعنی کمی بعد از رأی دادنش. امیدوارم که روحش مهمان حاج قاسم باشد و ما بتوانیم راهش را در حمایت از نظام پیش بگیریم.

صغری قاسمی - روستاهای  
توابع شهرستان مرودشت

از آنجا که فردی کنجکاو هستم (حالا شاید بعضی ها از کلمه ی دیگری استفاده کنند، ولی در اصل همین است) قبل از انتخابات به دنبال فهمیدن این بودم که پدرم به چه کسی رأی می دهد ولی دریغ از حتی یک کلمه!

روز رأی گیری، پدرم با نگاهی سرشار از «دیدنی نتونستی بفهمی» آمد و رأی داد و من هم با نگاه «این باخت چیزی از ارزش های من کم نمی کنه» پدر محترم را بدرقه کردم.

تا این که زمان شمارش آرا رسید و طبق اصل «در ناامیدی بسی امید است» با ضمیمه هوش بالا، رأی پدرم را از نوع دست خط تشخیص دادم.

البته بعد از به اثبات رسیدن تشخیص درست بنده، به فویبای «برای رأی دادن به دورترین مکان ممکن مراجعه کنیم»، دچار شدیم.

زهرا رضایی - الیگودرز

یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (اسفند ۹۸) با ورود مهمان ناخوانده «ویروس کرونا» به کشورمان همزمان شده بود. شب قبل از انتخابات از طرف ستاد اجرایی اطلاع رسانی شده بود که استفاده از اثرانگشت الزامی نیست. اما روز انتخابات اتفاقات جالبی پیرامون همین موضوع رقم خورد. مثلاً خانم جوانی که ماسک بر روی صورت گذاشته و مشخص بود که دستورالعمل های بهداشتی را رعایت می کند تأکید داشت که رأی بدون اثرانگشت باطل است و بعد استفاده از جوهر، الکل را از جیب خود درآورد و بر روی دستانش زد.

محمد رضا ابو-مشهد